

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در امریکا

۰۵ جون ۲۰۲۰

خشونت پولیس امریکا، جلوه دیگری از بربریت نظام سرمایه داری!

در روز ۲۵ ماه مه ۲۰۲۰ مطابق با ۶ خرداد [جوزا] ۱۳۹۹، پولیس سفید پوست ۴۴ ساله ای به نام "درک چاوین" مرد سیاه پوست ۴۶ ساله ای به نام "جورج فلویید" را در خیابانی در شهر "مینیا پولیس" پایتخت ایالت "مینه سوتا" در امریکا دستگیر کرده (*) و با کمک سه تن از همکاران خود، او را در کنار چرخ های اتومبیل پولیس، بر روی اسفالت خیابان، بر روی شکم خوابانده و با قرار دادن زانوی خود بر گردن، کمر و پاهای جورج به مدت ۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه، در حالی که دستان او از پشت دستبند زده شده بودند، علی رغم اعتراضات و هشدار مردم در مورد مرگ تدریجی آن مرد سیاهپوست، وی را به طرز فجیعی خفه کرده و به قتل رساند. صحنه های به قتل رسیدن جورج، توسط یکی از عابران رهگذر با استفاده از تیلیفون همراه فلمبرداری شده و در شبکه های اجتماعی گذاشته شد. صحنه هایی از دوربین های مدار بسته امنیتی مغازه ها هم نشان دادند که اگر چه رفتار اولیه پولیس با جورج فلویید بسیار خشونت آمیز بود ولی با توجه به قوانین قضائی امریکا، وی در هنگام دستگیری در مقابل پولیس "مقاومت" نکرده بود که نیازی به استفاده از قهر و اعمال زور به شکلی که در تصاویر ضبط شده آمده است باشد و تازه آن هم، زمانی که به او از پشت دستبند زده شده بود!

ویدیوی دیگری هم که بعداً توسط یک عابر دیگری بیرون داده شد، از زاویه دیگری نشان داد که علاوه بر "درک چاوین" که زانوی خود را روی گردن جورج فلویید گذاشته بود، دو پولیس دیگر، یکی زانوی خود را روی پاهای جورج گذاشته بود که تکان نخورد و دیگری زانوی خود را روی پشت او گذاشته بود که این کار هم موجب تنگی قفسه سینه و کار نکردن ریه های وی شد. لازم به ذکر هست که به خاطر زاویه فلمبرداری تیلیفون همراه و به خاطر وجود اتومبیل پولیس، دو پولیس دیگر و عملکرد های آن ها در ویدیوی اولی دیده نمی شوند.

در این کلیپ ویدیویی، جورج برای ۱۲ بار ناله می کند که "نمی توانم نفس بکشم!"، "سرکار، کمک کن، نمی توانم نفس بکشم!" ولی پولیس جنایتکار بی اعتناء به التماس های جورج، همچنان زانوی خود را بر گردن او می فشارد. در ثانیه هائی پس از پنج دقیقه اول، فشار زانو منجر به مرگ جورج شد. فشار ها بر پیکر بی جان جورج، حتی پس از خاموش شدن صدای او برای بیش از سه دقیقه دیگر ادامه پیدا می کند! تکنسین های "فوریت های پزشکی"، زمانی که جورج فلویید را در آمبولانس می گذاشتند تا به بیمارستان منقل کنند، اعلام کردند که وی نبضی نداشته و مدتی قبل جانش را از دست داده است.

مشاهده کلیپ این جنایت هولناک در تلویزیون و شبکه های اجتماعی، خشم فروخورده سالیان همه توده های ستم دیده، چه سیاهپوست و چه سایر نژاد ها را برانگیخت. نیروهای مترقی و انقلابی بلافاصله اقدام به اعتراض و سازماندهی تظاهرات گسترده ای در شهر مینیا پولیس - محل وقوع جنایت نمودند. این اعتراضات اما خیلی زود با گسترش دامنه آن توسط توده های به خشم آمده به شهرهای بزرگ امریکا مانند شهر نیویورک در ایالت نیویورک، لس آنجلس در ایالت کالیفرنیا، آتلانتا در ایالت جورجیا، شیکاگو در ایالت ایلینوی، واشنگتن دی سی پایتخت امریکا، فینیکس در ایالت آریزونا، دیترویت در ایالت میشیگان، فیلادلفیا در ایالت پنسیلوانیا، ایندیانا پولیس در ایالت ایندیانا، فرگسون در ایالت میسوری، دنور در ایالت کالورادو، هیوستون (محل تولد جورج فلوید) در ایالت تگزاس و بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک دیگر کشیده شده و مردم به خیابان ها آمده و دست به اعتراضات خیابانی زدند. با به خیابان آمدن مردم و با اعتراض به وحشی گری پولیس، نیروهای سرکوبگر پولیس با خشونت به تظاهرات توده ها حمله کردند. توده های به خشم آمده در دفاع از خود با نیروهای سرکوبگر پولیس درگیر شده و چندین موتر پولیس را به آتش کشیدند و مراکز مالی و فروشگاه های انحصاری زنجیره ئی و دیگر نهاد های سمبل سرمایه داری و سرمایه داران را آتش زدند و اموال آن ها را به نفع خود مصادره کردند. توده های معترض به خشم آمده با حمل پلاکاردهای متعدد با شعار هائی نظیر "جان سیاه پوستان اهمیت دارد"، "به وحشیگری پولیس خاتمه دهید"، "نمی توانم نفس بکشم!"، "من قربانی بعدی؟"، "عدالت برای جورج"، "دیگر بس است"، "مسأله بر سر تبعیض سفید پوستان علیه سیاه پوستان نیست، بلکه همه علیه نژاد پرست ها هستند"، خیابان های ده ها شهر امریکا را درنوردیدند.

در چند شب اول، پولیس با به کارگیری گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی سعی در متفرق کردن معترضان کرد. توده های خشمگین با پرتاب بطری آب، سنگ و کوکتل مولوتوف به پولیس حمله کردند. شایان ذکر است که عکس العمل و موضع گیری های مسؤولین شهری (شهردارها)، ایالتی (فرماندارها)، و دولت مرکزی (فدرال) از جمله شخص ترمپ فاشیست و نژاد پرست علیه اعتراضات توده ها یکی دیگر از عواملی بود که به گسترش این تظاهرات دامن زد. اکثریت مقامات بلند پایه دولتی و مدافع طبقه حاکم به جای تأکید بر اجرای عدالت، خواهان پایان دادن و سرکوب اعتراضات شدند و با استناد به برخی غارت های خیابانی به تقبیح تظاهر کنندگان جویای عدالت و آزادی و دیده شدن، اقدام نموده و آن ها را تروریست و اوباش و تحریک شده توسط "نیروهای چپ" ... نامیدند. ترمپ در توئیتر خود، معترضانی را که در واشنگتن دی سی به آتش سوزی دست زده بودند، تهدید کرد که چنانچه به چمن کاخ سفید نزدیک شوند او "سگان درنده وحشی" را علیه آن ها رها خواهد کرد و خاطر نشان کرد که اوباشان با سلاح های سهمگین و شوم روبه رو خواهند شد. در یکی از مصاحبه های مطبوعاتی چند دقیقه ئی که هنگام سوار شدن در پای هلی کوپتر در کاخ سفید انجام می دهد، با ایماء و اشاره به طرفداران خود گفت که معتقدان به شعار "دوباره امریکا را به عظمت خواهیم رساند" در جلوی کاخ سفید تجمع خواهند کرد! از آن جایی که اکثر طرفداران او مسلح هستند، عده ای، این حرف او را دعوت به شروع "جنگ داخلی" تعبیر کردند.

ترمپ به دنبال تهدیداتی که در آن اعلام کرده بود چنانچه اوباشان به کاخ سفید "نزدیک" شوند با "سگان درنده وحشی" و "نیروی نظامی" روبه رو خواهند شد که "تا به حال سراغ نداشته اند"، با نزدیک شدن جمعیت تظاهر کننده به کاخ سفید، فرار را بر قرار ترجیح داده و به مدت یک ساعت توسط محافظان خود در "پناهگاه اتمی" کاخ سفید که از سال ۲۰۰۱ و بعد از تصادم هواپیماهای مسافربری به برج های دو قلوی مرکز تجارت جهانی، مورد استفاده قرار نگرفته بود، منتقل شد!

وی کسانی را که اتومبیل های پولیس را به آتش می کشند ، "تروریست های خانگی" خواند و جمله ای تحریک آمیز بدین مضمون به کار برد که "اگر غارت شروع شود، تیراندازی هم شروع خواهد شد" که موجب تشدید سرکوب و متعاقب آن کشته شدن یکی از معترضان گشت ، که خود نقل قولی است از رئیس پولیس سفید پوست و نژاد پرست شهر میامی در ایالت فلوریدا به نام والتر هدلی در سال ۱۹۶۷ که در دادگاهی که برای رسیدگی به پرونده جنایت علیه سیاه پوستان شرکت کننده در تظاهرات ضد تبعیض نژادی تشکیل شده بود به کار برد.

این اولین بار نیست که در امریکا یک پولیس سفید پوست، مردی سیاه پوست را به قتل می رساند و موجب اعتراضات و شورش های خیابانی گسترده می گردد. در تاریخ ۱۴ اگست ۲۰۱۴، جوان ۱۸ ساله ای به نام "مایکل بروان" در شهر "فرگسون" در ایالت میسوری توسط پولیس سفید پوست به ضرب گلوله به قتل رسید. در تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۸، یک پولیس زن سفید پوست به نام "امبر گایر" در شهر دالاس در ایالت تگزاس وارد آپارتمانی در همسایگی خود می شود و بدون هیچ دلیل و مدرک و درگیری مرد جوان ۲۶ ساله سیاه پوستی به نام "بوم جین" غیر مسلح را که در اتاق نشیمن خود مشغول خوردن بستنی و دیدن تلویزیون بود، با گلوله به قتل رساند. در اثر فشار افکار عمومی و اعتراضات گسترده خیابانی این قتل با اتهام تعصب نژادی (نژاد پرستی) به دادگاه احاله شد ولی پولیس مزبور در دادگاه به جرم قتل، فقط به ۱۰ سال زندان محکوم گشت. کلاً در سال ۲۰۱۵ بیش از ۱۰۰ جوان سیاه پوست غیر مسلح به دست پولیس سفید پوست کشته شدند که فقط ۴ مورد آن به محکومیت پولیس ختم شد. برای دیدن اسامی و تصاویر کشته

شده ها، رجوع کنید به گوگل تحت نام **Mapping Police Violence**

در سال گذشته ، در ۶ اگست ۲۰۱۹ ، دو پولیس سواره نظام سفید پوست، یک جوان سیاه پوست را دستبند زدند و سپس با بستن طناب بر گردنش، او را در خیابان های شهر گلستون در ایالت تگزاس به دنبال اسب های خود به حرکت در آوردند. بستگان این جوان گفتند که او بیمار ذهنی بوده و معمولاً در خیابان می خوابیده است. این عمل جناتکارانه آن ها ، یادآور دورانی است که پولیس امریکا برده های مبارز و معترض را با طناب بر گردن جهت ایجاد رعب و وحشت و تحقیر سیاه پوستان در معابر می چرخاندند.

هم اکنون تظاهرات در شهرهای مختلف امریکا همچنان ادامه دارد و آخرین خبرها حاکی از آن است که در جریان درگیری بین تظاهر کنندگان و پولیس و گارد ملی ، ۳۴۰ معترض در شهر نیویورک دستگیر شده و ۳۳ پولیس زخمی شدند. در تصاویر تلویزیونی مربوط به وحشی گری پولیس صحنه هایی به نمایش درآمدند که در آن ها پورش پولیس با موتر به میان جمعیت معترضان و زخمی نمودن تعدادی از آن ها نشان داده می شود.

قتل فجیع جورج فلویید سیاهپوست و تظاهرات گسترده و رادیکال مردم که با سرکوب وحشیانه نیروهای سرکوب در امریکا روبه رو شد ، یک بار دیگر پرده از چهره وحشی و نژاد پرست نظام سرمایه داری حتی در به اصطلاح پیشرفته ترین آن ها برداشت و نشان داد که منظور سرمایه داران حاکم و دولت های شان از دمکراسی و حقوق بشر و آزادی انسان ها در واقعیت از چه ماهیتی برخوردار می باشد.

در تظاهرات چند شبانه روز گذشته، ما شاهد شرکت انسان های معترض و مبارز از بخش های متفاوت جامعه به خصوص سفید پوستان امریکائی هستیم که نه تنها به قتل فلویید اعتراض دارند، بلکه اوضاع بد اقتصادی و فقر و بیکاری و تبعیض و نژاد پرستی را عامل تباهی زندگی خود و خانواده های شان می بینند و فریاد می زنند "دیگر بس" است، در حالی که رسانه ها، قدرتمداران سیاسی، رهبران مذهبی، از سیاه پوست تا سفید پوست مردم را از مقابله با پولیس و استفاده از خشونت بر حذر می دارند و آن ها را به "پیروی از قانون" (قانون سرمایه داران وحشی و استثمارگر حاکم) و مدارا و سکوت دعوت می کنند. مردم فریاد می زنند این همه سال سکوت کردیم چه حاصلی

داشت؟ سکوت مساوی با شرکت در جنایت است. قتل فجیع جورج فلوید که درجه شقاوت پولیس را به عینه به نمایش گذاشت، اما در عین حال به سان جرقه ای بود که آتش خشم محرومان را برافروخت، خشمی فرو خفته که از شرایط ناعادلانه حاکم و موجود خبر می دهد.

در جریان این تبهکاری ، مردم بار دیگر جنایات گذشته پولیس در حق سیاه پوستان را به خاطر آورده و بدرستی دیده و درک می کنند که "قوانین" بورژوازی همواره از پولیس حمایت کرده و می کنند.

در عین حال توده های مردم به وضوح متوجه شده اند که وقتی قدرت پولیس در مقابل قدرت عظیم توده ئی در هم می شکند ، چگونه از گارد ملی که در تبلیغات برای حفاظت و حمایت از مردم به وجود آمده ، جهت سرکوب مردم استفاده می کنند و چگونه ارتش که بودجه اش از پول مالیات همین مردم تأمین می شود ، بروی مردم اسلحه کشیده و دندان های تیز خود را نشان داده و قشون و تانک هایش را برای ترس و ارعاب مردم به خیابان ها می آورد.

قتل جورج فلوید، جرقه دیگری بود که خشم فرو خورده اکثریت توده های امریکا را که سال ها از تبعیض اقتصادی، اجتماعی، نژادی، جنسیتی، سیاسی، به ستوه آمده بودند، آشکار ساخته و آن ها را به خیابان کشاند. این همان تضادهای اجتماعی و طبقاتی جاری و نهفته در جامعه است که به عنوان زخم کهنه سر باز کرده و تا محو تبعیض ها با افت و خیز ادامه خواهد یافت. باشد که زحمتکشان و طبقه کارگر امریکا در مبارزات خود علیه سرمایه داران حاکم با کسب آگاهی بیشتر و حرکت به سمت سازماندهی و تشکیل صف مستقل خویش در جهت کسب قدرت سیاسی حرکت نموده و ساختمان جامعه ای عاری از بی عدالتی ، ظلم ، و ستم طبقاتی را بنیان نهد که در آن انسان ها به خاطر رنگ پوست شان کشته نشوند.

مرگ بر نظام ظالمانه سرمایه داری!

زنده باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

پیروز باد مبارزه زحمتکشان و طبقه کارگر جهان!

با ایمان به پیروزی راه چریکهای فدائی خلق ایران

فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در امریکا

اول جون ۲۰۲۰

زیرنویس:

(*) لازم است که در این جا یکی دو مورد دیگر هم توضیح داده شوند. اتهام و دستگیری جورج فلوید به خاطر خرید با یک اسکناس بیست دلری جعلی بود. امری که صاحب مغازه خواروبار فروشی در مصاحبه تلویزیونی خود اعلام کرد که امکان زیاد دارد که جورج فلوید نمی دانسته که یکی از اسکناس های بیست دلری اش تقلبی بوده است. در واقع ، ارزش جان او در دستان آن پولیس های جانی فقط بیست دلر بود.

هر چهار پولیسی که در کشتن او دست داشتند از کار برکنار شدند. تنها "درک چاوین" به جرم قتل درجه سوم (قتل غیر عمد) دستگیر و با گذاشتن وثیقه آزاد شد. تا به امروز (با گذشت هشت روز از آن واقعه) هیچ گونه تصمیمی در مورد دستگیری بقیه همکاران درک چاوین گرفته نشده است.

قساوت و بیرحمی که از چشمان درک چاوین را که به لنز دوربین تلفون دستی در مدت ۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه خیره شده است و در حالی که دست خود را در جیب شلوارش کرده و با زانوی خود گردن جورج فلوید فشار می آورد ، و به عجز و لابه های جورج فلوید بی اعتنائی می کند، فقط و فقط از طریق فلم ویدیو می توان درک کرد. چنانچه این

ویدیو وجود نداشت (که معمولاً در موارد بیشماری در هنگام اعمال خشونت پولیس وجود ندارند) و شاهدان ماجرا می خواستند در محکمه (اگر درک چاوین دادگاهی می شد) توضیح بدهند ، اظهارات شفاهی آن ها هیچ وقت چنین تأثیری نداشته و نمی توانست آتشی چنین سهمگین که سراسر امریکا را فرا گرفته است ، به پا کند. با وجود چنین ویدیویی که واقعیت عریان را نشان می دهد ، اما گزارش اولیه اداره پولیس ، مثل همیشه مملو از خروار ها دروغ محض بوده و وقایع را درست به عکس آن چه واقعیت است نشان می دهد.

زندانیان سیاسی ایرانی و مردم ما با این نوع "گزارشات" چه در دوره ساواک شاه و چه در دوره سربازان گمنام امام زمان در وزارت اطلاعات و در زمان حال آشنا هستند.